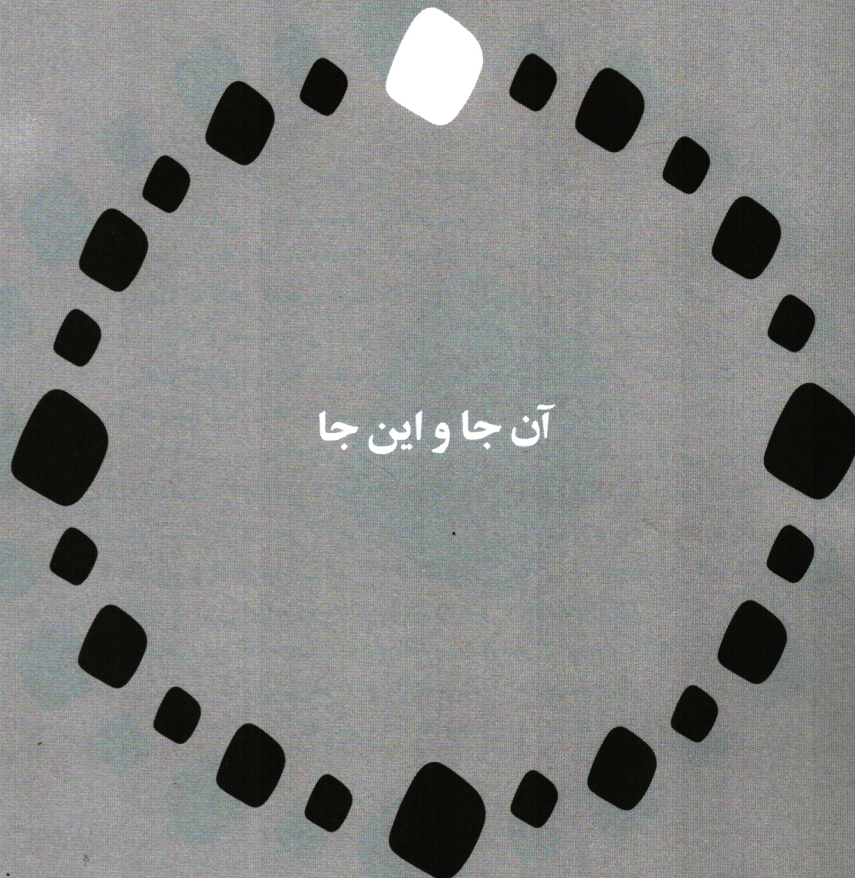



- آن جا و این جا ۱۰ ■ سفرا، گرفتار
 رهایی ۱۲ ■ آن مغرور ۱۴ ■ می بینی که... ۱۶ ■ سربه
 هوا ۱۸ ■ سفر ۲، تقاطع ۲۰ ■ طفل زمین خورده ۲۲ ■ آن
 روزها ۲۴ ■ گاهی فقط سکوت ۲۶ ■ آن دیگر مغرور ۲۸ ■ اقلیت ۳۰
 حباب ۳۲ ■ از تماشای تو ۳۴ ■ رازدان ۳۶ ■ خورشید فلک مرتبه را روی
 زمین یافت ۳۸ ■ آن دو برادر ۴۰ ■ بعد از آن ۴۲ ■ چتر ۴۴ ■ سرزنش ۴۶ ■ تهمت
 آبرو ۴۸ ■ چهار آینه ۵۰ ■ سر بسته ۵۲ ■ پژواک ۵۴ ■ آن چشم آهو ۵۶ ■ حلقه
 دوزخ ۵۸ ■ کمترین فایده عشق ۶۰ ■ همگی لیلی یک مجنونیم ۶۲ ■ آبی من و
 آبی او ۶۴ ■ ساده ۶۶ ■ قفس باز ۶۸ ■ افسانه ۷۰ ■ داستان ۷۲ ■ دیوار به آینه ۷۴ ■
 هست و نیست ۷۶ ■ سفر ۳، آخرین منزل ما ۷۸ ■ خوشبخت ۸۰ ■ سربه مهر
 ۸۲ ■ کبوترانه ۸۴ ■ صاحب اسم ۸۶ ■ اشک روی نقاشی ۸۸ ■ طلوع می کند
 اکنون به روی نیزه سری ۹۰ ■ اسم و رسم ۹۲ ■ تردید یقینی ۹۴ ■
 خاطره من ۹۶ ■ دست خدا حافظی ۹۸ ■ سفر ۴، بی خبر ۱۰۰ ■
 سفر ۵، می روی اما بدان ۱۰۲ ■ بی زار ۱۰۴ ■ چشم دیگر
 آهو ۱۰۶ ■ ماهی ۱۰۸ ■ بی سر و پا ۱۱۰ ■

وضع ما، در گردش دنیا چه فرقی می‌کند
زندگی یا مرگ، بعد از ما چه فرقی می‌کند
ماهیان روی خاک و ماهیان روی آب
وقت مردن، ساحل و دریا چه فرقی می‌کند
سهم ما از خاک وقتی مستطیلی بیش نیست
جای ما اینجاست یا آنجا چه فرقی می‌کند؟
یاد شیرین تو بر من زندگی را تلخ کرد
تلخ و شیرین جهان اما چه فرقی می‌کند
هیچ کس هم صحبت تنهایی یک مرد نیست
خانه من با خیابان‌ها چه فرقی می‌کند
مثل سنگی زیر آب از خویش می‌پرسم مدام
ماه پایین است یا بالا چه فرقی می‌کند؟
فرصت امروز هم با وعده فردا گذشت
بی وفا! امروز با فردا چه فرقی می‌کند



آن جا و این جا

ناگزیر از سفرم، بی‌سر و سامان چون «باد»
به «گرفتار رهایی» نتوان گفت آزاد
کوچ تا چند؟! مگر می‌شود از خویش گریخت
«بال» تنها غم غربت به پرستوها داد
اینکه «مردم» نشناسند تورا غربت نیست
غربت آن است که «یاران» ببرندت از یاد
عاشقی چیست؟ به جز شادی و مهر و غم و قهر؟!
نه من از قهر تو غمگین، نه تو از مهرم شاد
چشم بیهوده به آینه شدن دوخته‌ای
اشک آن روز که آینه شد از چشم افتاد



سفر ۱ – گرفتار رهایی